

نگاه

پنج‌گانه‌ای
برای پنجشنبه‌های اسفند

یهمن فارسیجانی

● (اول) شهرداری تهران تصمیم گرفته در هفته‌های پایانی سال جاری، روزهای پنجشنبه را که قبلا خارج از شمول طرح ترافیک بوده، مجدد مشمول این طرح کند؛ به‌این‌ترتیب شهروندان برای تردد در این روز باید پول پرداخت کنند. روزهای پنجشنبه برای خیلی از مردم، روز پیگیری‌های اداری و شخصی است. برخی سازمان‌ها به حرمت مردم، در این روز هم خدمات اداری متعارف خود را ارائه می‌دهند تا مردم از کار و زندگی نیفتند. در روزهای آخر سال نیز مردم برای خرید و تدارکات نوروزی خانواده، وابستگی بیشتری به همین روز پیدا می‌کنند. قبلا مشاور معاون حمل‌ونقل شهرداری گفته بود تکلیف طرح ترافیک پنجشنبه از طریق نظرخواهی از شهروندان تعیین می‌شود.

(دوم) رئیس شورای عالی استان‌ها گفته مردم باید هزینه‌های زندگی در شهر را پرداخت کنند. او چهار روش تأمین هزینه‌های شهری را بیان کرده و روی سه روش خط کشیده و تنها راه را گرفتن هزینه از مردم دانسته است. او ضمن بیان اینکه «می‌دانیم وضع مردم خوب نیست»، یک تهدید تلویخی هم کرده می‌بیر اینکه «مردم هم تمایل ندارند زباله‌هایشان جلوی درِ منازلشان بماند».

(سوم) چندی قبل شهرداری از دو طرح خود رونمایی کرد؛ اولی «تغییر اجرای طرح ترافیک و استفاده از روزهای زوج و فرد» و دومی نیز «دریافت عوارض از تونل‌های شهری» بود. بحث پولی‌شدن تونل‌های شهری بعد از جنجال‌های رسانه‌ای، گویا فعلا پایگانی شده است؛ اما همه می‌دانند که «پایگانی» در واقع اسام رمز «احتمال جدی برای اجرا» است که البته بستگی تمام و کمالی به اوضاع مالی شهرداری تهران دارد.

(چهارم) از کنار هم قراردادن این موارد می‌توان چنین نتیجه گرفت که شهرداری تهران هیچ راهکار و برنامه خاصی برای عبور از چالش‌های مهم و اقتصادی شهر ندارد و در این میان در تلافیه طرح‌ها و برنامه‌های مختلف (نظر مواردی که ذکر شد)، روی جیب مردم حساب کرده است.

مردم خودشان می‌دانند که باید هزینه‌های زندگی در شهر را پرداخت کنند؛ اما سؤال مهم این است که هزینه‌های زندگی در شهر تهران چقدر است؟ مسئولان شهرداری (مانند سایر مسئولان دولتی) معتقدند مردم در واقع کسر اندکی از کل خدماتی که به آنها ارائه می‌شود، پرداخت می‌کنند؛ مثلاً کل هزینه‌ای که شهرداری برای جمع‌آوری و دفن زباله پرداخت می‌کند، چندین برابر رقم مالیاتی است که از مردم در قالب قبوض خدمات پسماند اخذ می‌شود.

شاید چنین باشد؛ اما علامت سؤال بزرگ همچنان به قوت خود باقی است؛ چرا وقتی پای مردم در میان است، باید هزینه‌ها را به صورت نقدی و سریع پرداخت کنند (چراکه ممکن است زباله‌هایشان از جلوی منازل جمع‌آوری نشود)؛ اما وقتی پای سازمان شهرداری در میان است، هرگونه مطالبه اصلاحات ساختاری صرفا قالب توصیه اخلاقی به خود می‌گیرد؟

آن‌گونه که خود متولیان امر در شورای شهر گفته‌اند، مدیریت صحیح مالیه شهری و تنظیم دقیق دخل‌وخرج شهر، از طریق اتخاذ باصرفه‌ترین تصمیمات و راهکارها صورت می‌گیرد؛ وگرنه برای گران اداره‌کردن شهر نیازی به تدبیر نیست.

ادامه در صفحه ۱۳

جدول ۳۳۴۴ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱ - جنگ احزاب - صاحب لغت‌نامه - محترم
۲ - جای پا- داروی ترزینی - نوعی همخوانی
آهنگین قرآن و عدا۱۱ - موزیسین ژاپنی و خاق
قطعه معروف جاده ابریشم - آزادگان - زهر
۴ - قطعه آوازی ترانه‌گونه و پراحساس - شکل -
پیمان ۵ - شاگرد مغازه - عصبانی‌شدن ۶ - طرح و
الگو- عطرمایه - میکروب کزاز ۷ - نقش هنرپیشه
- گازی به شدت قابل اشتعال - رنوف ۸ - جرقه
آتش- سردرد شدید - حالتی مخصوص زن باردار
۹ - مایع نوشیدنی گازدار - پیدا کردن - تکرار حرفی
۱۰ - ایلات - سازی عرفانی - شیمی کریس
۱۱ - اعشاری - سلوک در راه نیل به حقیقت
۱۲ - علف خشک - آغازین - گونه‌ها، اقسام ۱۳ - رنگ
نشده!- خبر خوش - آرامش ۱۴ - غذای سنتی ایرانی
که پایه آن برنج است - پایان - کله ۱۵ - فلزی براق
با ساختاری بلورین - از ابزار بنایی - راه رفتن کودکان.

عمودی:

۱ - مثلی فارسی که درباره رشوه دادن به کار
می‌رود ۲ - هشتین - شادمان - بیماری کم‌خونی
۳ - ژرف اندیشی- باز - قورباغه ۴ - قصیده‌سرای
قاجار- معادل فارسی دکور - تنگ‌چشمی ۵ - سوره
هفتاد و هفتم قرآن - از مراحل سه گانه زراعت
۶ - انبار اجناس - آشفته و مضطرب - مجرای
تهویه هوا ۷ - ضمیری عربی - پی در پی بودن -
تراکتور دو چرخ که در زمین‌های کشاورزی کاربرد
دارد ۸ - نجات یافتن - آلوده به ننگ - کشیک
۹ - جمع حس - گاه بر ضابطه چیره می‌شود - جدید

لاکچری بازی‌های کیم ایل سونگ و اتفاقی ملی به اسم «ایران مال»

پروژه‌های بزرگ‌مقیاس و توهم توسعه



نگین نجار ازلی
معمار، پژوهشگر شهری

شروع ساخت هتل ریوکیونگ در کره‌شمالی با دوران زمامداری کیم ایل سونگ، بنیان‌گذار کره‌شمالی و پدربزرگ کیم جونگ اون هم‌زمان بود. آسمان‌خراشی با شکل و ظاهر عجیب و آرمان‌های عجیب‌تری که در پس سازه‌های فولادی، سوداگرانه راه آسمان را می‌جوید. یک ساختمان ۱۰۵ طبقه که گفته می‌شود از همه‌جای شهر پیونگیانگ، این شهر «مرموز»، دیده می‌شود. هتلی لاکچری و بین‌المللی با سالن‌هایی به سبک ژاپنی و کره‌ای، کازینو و کلوب‌های شبانه مجلل و اتاق‌ها و سویت‌های مجلل‌ترش.

می‌گویند کیم ایل سونگ در آن زمان با هدف قدرت‌نمایی در مقابل جهانیان نتیجه‌گرفت که وجود چنین بنایی در سرزمینش لازم است. شرایط سخت جنگ و تحریم‌ها هم مانع او و نوه‌اش نشد و تا به امروز فقط هزینه ساخت این هتل بدون در نظر گرفتن هزینه‌های نگهداری‌اش، چیزی حدود ۷۵۰ میلیون دلار خرج روی دست کره‌ای‌ها گذاشته است.

رقمی که برای کشوری مانند کره‌شمالی احتمال چندان هم کم پولی نیست. به‌هرحال وقتی چیزی به این عظمت و با این همه هزینه ساخته می‌شود، باید در آینده سودی به‌مراتب بیشتر نیز داشته باشد. اما واقعیت این است که بر اساس سیاست‌های داخلی، درهای کره‌شمالی بسته‌اند و ورود و خروج به آن کار هرکسی هم نیست؛ تو گویی برمودایی مجهول در این سوی جهان... نتیجه اینکه هتل لاکچری ریوکیونگ امروز نه‌تنها به نمدی برای «تفاخر ملی» کره‌ای تبدیل نشده که برعکس، کافی است کشتی در اینترنت زبند تا طنرها، طعن‌ها و افسانه‌های مربوط به خانه ارواح را درباره این بنا بخوانید و لذت ببرید! براساس رتبه‌بندی گینس، این هتل، بزرگ‌ترین سازه «بدون سکنه» جهان است.

از این دست پروژه‌ها در کشور ما هم کم نیستند؛ آخرین و بزرگ‌ترین نمونه‌اش همین «ایران‌مال» یا «بازار بزرگ ایران». ویکی‌پدیا به نقل از فایننشال تریبون [Financial Tribune] نوشته است که ایران‌مال یکی از بزرگ‌ترین شاپینگ‌مال‌های [مراکز خرید] جهان و چیزی اندکی بزرگ‌تر از The Trafford center انگلستان و Mall of America در آمریکا است؛ مجموعه‌ای متشکل از باغ ایرانی، پیست یخ، ایوان بلور، تالار پذیرایی الماس، گالری و نمایشگاه خودرو، مجموعه سینمایی، فودکورت، مرکز تفریحات خانوادگی، آمفی‌تئاتر، هتل‌های پنج‌ستاره ایران‌مال، دریاچه ایران‌مال با نمایش و رقص آب، فروشگاه‌ها، مرکز بین‌المللی تجارت تهران و مرکز نمایشگاه‌ها و... با زیربنای یک میلیون و ۷۰۰ هزار مترمربع، یعنی اگر بخواید کل این مجموعه را بدون رفتار ویتترین‌گردی و خرید، فقط پیاده طی کنید، باید چیزی حدود چهار ساعت وقت بگذارید. دقیق‌ترش می‌شود ۱۴۰۷ کیلومتر پیاده‌روی یا چیزی معادل اندازه مسافت خیابان ولیعصر از میدان منیریه تا تجریش. اگر هم که خرید و بازدید از هایپرمارکت‌های بزرگش را در نظر بگیرید، این زمان به ۷۲ ساعت یا شش روز بسط پیدا می‌کند.

البته این فقط ایران‌مال نیست و مگاپروژه‌ها در دهه‌های اخیر مورد توجه ملت‌های مختلف بوده‌اند و مدیریت شهری کلان‌شهرهای مختلف

در کشورهای توسعه‌یافته برای خودی نشان دادن و همچنین برای جذب سرمایه‌های خصوصی تمایل فراوانی به اجرای پروژه‌هایی از این دست دارند. طبق گفته‌ها در جهان در حال رقابت، مگاپروژه‌ها (پروژه‌های بزرگ مقیاس شهری) به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به آرمان‌های توسعه شناخته می‌شوند. البته جهانی‌شدن معاصر شبیه یک بسته عملکردی است که مگاپروژه‌ها فقط قسمتی از آن را شامل می‌شوند. ورود به چنین پروژه‌هایی با توجه به مقیاس بزرگ آنها و تأثیراتی که بر بازاریابی و اقتصاد استراتژیک منطقه و همچنین تأثیرات اجتماعی، زیستی، محیطی و فرهنگی دارند، نیازمند مداخله‌ای جدی‌اند. مواردی که نگارنده به رعایت آنها در پروژه ایران‌مال شک دارد. چه‌بسا بدون مطالعه زیرساخت‌ها و تقویت توانایی‌های موجود، چنین پروژه‌هایی نه‌تنها عاملی برای رشد ملت نباشد که حتی آسیبی جدی بر بدنه شهر نیز وارد کنند. درست مثل ریوکیونگی که هرچقدر هم مجلل و لاکچری باشد، عملا وجودش از بنیان بی‌معنی و بلااستفاده است.

اجازه بدهید در اینجا گریزی بزنیم به اثر مشهور توماس فریدمن، کتاب «جهان مسطح است». در بخشی از کتاب، فریدمن توضیح می‌دهد که رویکردهای توسعه فقط با پرکردن شکاف بین طبقات مختلف جامعه معنا پیدا می‌کنند و یک الگو هرچند جذاب و نو، اگر نتواند برای تسطیح این شکاف کاری بکند، عملا «توهم توسعه» نام می‌گیرد و نه چیزی بیشتر. در همین راستا اولویت‌های مشخصی هم اهمیت پیدا می‌کنند. یا به بیانی، اول لازم است مقدماتی در ساختارهای شهری از بعد اقتصادی آن گرفته تا بعد فرهنگی و اجتماعی آن، ایجاد شود، سپس «مکالماتی» ایجاد شود و شاپینگ ستری....

فریدمن در ادامه در مورد استراتژی‌های کسب‌وکار شرکت‌های چندضلعی و چندملیتی می‌گوید که حدود سه میلیارد نفر از هندوستان، مراکش، تونس، آژانتین، بنگلادش و... روی یک عرصه بازی مسطح راه می‌روند. پروژه‌های بزرگ‌مقیاس فرصت‌های اقتصادی را برای اشتغال

نیروهای ضعیف و طبقه متوسط این کشورهای درحال‌توسعه فراهم کرده است. با این حال پس از چند سال میزان فرسایش نیروهای کار در این کشورها چندین و چند برابر شده است. کارکنانی که مجبور به تحمل ساعات کار فراوان و تقلید لهجه آمریکایی و تغییر در نحوه پوشش و آرایش شده‌اند تا به مذاق مشتری و مخاطب خود که معمولا از قشر مرفه‌تر است، خوش بیایند، تأسف‌بارتر اینکه هیچ امیدی به پیشرفت شغلی چندان ندارند؛ در واقع انتقالی کاذب که از پارادایم‌های واقعی توسعه به دور است.

چه بسا با نگاهی دقیق‌تر به وضعیت کنونی، طرح این سؤال که بزرگ‌ترین مال جهان قرار است کدام شکاف موجود در جامعه ایرانی را پر کند و به کدام نیاز اساسی ما پاسخ دهد، چندان بی‌ربط نیز نباشد و شاید حتی با نگاهی دقیق‌تر، شما نیز با نگارنده همسو شوید در اینکه در ادامه وجود چنین فضایی حتی ممکن است خود شکافی جدید ایجاد کند در جامعه نامتوازن ایرانی. اگر کمی علمی‌تر و معمارانه‌تر این موضوع را بررسی کنیم، فضاهای سرپوشیده پاساژهای معاصر و مال‌ها، از لحاظ علمی و معمارانه فضایی هستند که مارک اوزه فیلسوف فرانسوی از آنها به عنوان «نامکان» نیز یاد می‌کند. درواقع برهم‌کنش‌های دیالکتیکی مکان و زمان، «نامکان‌ها» را به ما معرفی می‌کنند. مال‌ها و مراکز خرید معاصر نیز خود جلوه‌ای هستند از این نامکان‌های گمشده در بین تمام محیط‌های ما. فضاهایی که احساس کاذب حضور در فضای عمومی را به فهمنده شهری می‌دهند و به‌اصطلاح به عنوان فضای عمومی تقلبی [Fake Public Space] نیز شناخته می‌شوند. توضیح اینکه فضای عمومی شهری اصیل و واقعی، فضایی است مختص همگان و به عنوان پلتفرمی شناخته می‌شود که هرکس به فراخور استعداد خویش می‌تواند از امکانات موجود در این فضا استفاده کرده و برای رشد و توسعه فردی و اجتماعی خویش تلاش کند. اما فضاهایی شبیه فضاهای مال‌ها یا پاساژها که فضاهای داخلی [Interior] به شدت کنترل‌شده دارند، معمولا فضاهایی هستند

ایزوله‌شده و مختص قشر متوسط به بالای جامعه. طبقات اجتماعی نیز در چنین فضاهایی یکسان شده یا حداقل شبه‌یکسان می‌شود؛ هرچند شده با پوشش و آرایشی تصنعی و این دقیقا مسئله‌ای است که در بازارهای سنتی و مارکت‌های خیابانی وجود ندارد.

فضاهایی از نوع نامکان ایستگاهی و موقت بوده و محیط‌هایی هستند که بالفطره برای انزوا خلق شده‌اند؛ هرچند در ظاهر وجهی عمومی هم به خود بگیرند یا آنچنان که مازیار اسلامی به نقل از مارک اوزه به آن اشاره می‌کند، یک رابطه قراردادی با محیط و دیگر افراد برای تسری و شاید فرار از تنهایی‌مان در بین انبوهی از تن‌های دیگر؛ و این است سرنوشت دردناک مردمان شهرهایی که از هویت و فرهنگ خود جدا شده و از خود دور افتاده‌اند. نادیده‌گرفتن تعاملات انسانی در محیط‌های مصنوعی و ایجاد نامکان‌هایی پرزرق‌وبرق مختص «زندگی در عیش و مردن خوشی»!

راستش را بخواهید یک نامکان هرچند در آغاز ممکن است به سبب تجملاتش جالب نیز به نظر بیاید، ولی همین مفهوم به دلیل اینکه گستره‌ای است بی‌چارچوب، به صورت بطنی و تدریجی به جای لذت‌بخش بودن برای فهمنده خویش، تنها دستاورد آن آزار خواهد بود و بس. محیط‌هایی که نه تنها نمی‌توانند پاسخی صحیح در جهت رسیدن به شهری آرمانی و انسانی باشند؛ بلکه چنان‌که آلدوس هاکسلی نویسنده و شاعر نامی انگلیسی از آن سخن به میان می‌آورد، تنها دنیای کاذب و کول‌زنکی بدون روح است که در جهت تزییح عواطف مصرف‌کنندگان و پرکردن جیب سرمایه‌داران بنا می‌شود. دنیایی که فقط و فقط سرخوشی آنی و گذرانی برای انسانی که پروانه‌وار به دنبال آرمان‌های خویش است، به ارمغان خواهد آورد. علاوه بر اینکه پایتخت تا چه حد نیازمند چنین نامکانی است، خود پرسش دیگری است که باید به آن پاسخ گفت. حال باید پرسید آیا ایران‌مال می‌تواند آرمان‌های توسعه را در کشور، به راستی محقق کند یا خیر؛ این سازه عظیم لاکچری، رؤیایی است از جنس دیگر؟!

سودوکو سخت ۲۳۴۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۲۳۴۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو سخت

۶	۳	۲	۸	۹	۴	۱	۵	۷
۴	۵	۷	۱	۳	۲	۶	۹	۸
۸	۹	۷	۵	۲	۶	۹	۳	۱
۲	۷	۶	۴	۳	۹	۵	۸	۱
۵	۱	۸	۲	۶	۷	۹	۳	۴
۳	۹	۱	۸	۵	۶	۷	۲	۴
۹	۲	۵	۳	۷	۱	۸	۴	۶
۷	۶	۴	۸	۳	۱	۵	۲	۹
۱	۸	۳	۵	۲	۴	۶	۷	۹

حل سودوکو ۲۳۳۹

۶	۴	۹	۱	۸	۵	۲	۳	۷
۸	۷	۱	۲	۳	۹	۵	۴	۶
۵	۲	۳	۶	۴	۷	۱	۸	۹
۹	۳	۷	۵	۱	۸	۶	۴	۲
۲	۶	۵	۴	۷	۳	۹	۱	۸
۴	۱	۹	۶	۲	۳	۷	۵	۸
۳	۵	۷	۹	۶	۱	۸	۲	۴
۱	۹	۶	۸	۲	۴	۷	۵	۳
۷	۸	۲	۵	۱	۴	۶	۳	۹

جدول ۲۳۴۳

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲
۲	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳
۳	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴
۴	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۵	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱
۶	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲
۷	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳
۸	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴
۹	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۵
۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۲	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۱۳	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
۱۴	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵
۱۵	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶

ستون حقوق حیوانات

حیوانات، سین هفت‌سین نیستند!

● سپهر سلیمی: فروشندگان، تولیدکنندگان و قاچاقچیان حیات وحش از هر ابزار و مناسبتی برای کاسبی استفاده می‌کنند. این چنین است که در آستانه نوروز شاهد فروش طیف مختلفی از حیوانات از ماهی قرمز تا لاک‌پشت، سمندر و حتی مار آبی هستیم.

ماهی قرمز قدیمی‌ترین و پرشمارترین قربانی هفت‌سین ایرانیان است. ماهی قرمز تا پیش از گسترش آپارتمان‌نشینی همواره سمیری بین حوض خانه‌ها و سفره هفت‌سین را طی می‌کرده و پس از چند روز حضور در هفت‌سین دوباره به حوض برمی‌گشته؛ اما تغییر سبک زندگی و بی‌توجهی خانواده‌ها به حق حیات این موجود زنده در کنار تولید انبوه این حیوان باعث شده است در دهه‌های اخیر از یک موجود زنده صاحب حق حیات به یک شیء برای کامل‌کردن هفت‌سین تبدیل شود و این چنین است که هر سال چیزی حدود ۳۰ میلیون از این حیوان در فاصله زمانی کوتاهی کشته می‌شوند. متأسفانه تلاش‌های انجام‌شده برای آموزش مردم در راستای نگهداری بهتر از این حیوان به دلایل مختلفی به سرانجام نرسیده و به نظر می‌رسد برای نجات جان میلیون‌ها ماهی قرمز چاره‌ای جز دعوت به نخریدن و حذف این موجود زنده از سفره هفت‌سین وجود ندارد.

بازار فروش سمندر لرستانی اگرچه حدود یک دهه است رونق گرفته؛ اما با توجه به شرایط زیستی این حیوان و اندک شمارگان باقی‌مانده از این حیوان و همچنین زیستگاه بسیار آسیب‌پذیرش یکی از تلخ‌ترین انواع تجارت حیوانات در سال‌های اخیر است. سرنوشت سمندر لرستانی در دست‌ان مار قرار گرفته و اندکی تعلل در مقابله با این تجارت سیاه می‌تواند به انقراض آن منجر شود.

لاک‌پشت یکی دیگر از حیواناتی است که در سال‌های اخیر در کنار بساط فروش ماهی و سبزه نوروز عرضه می‌شود. لاک‌پشت‌های عرضه‌شده عموماً از دو گونه لاک‌پشت‌های بومی ایران و لاک‌پشت گوش قرمز هستند. با توجه به وضعیت بد زیستگاه‌های آبی، تجارت لاک‌پشت‌های بومی به تهدیدی مضاعف برای بقای نسل این حیوانات بومی کشور تبدیل شده‌اند و از طرفی عرضه لاک‌پشت غیربومی گوش‌قرمز و راهیابی آن به زیستگاه‌های طبیعی کشور به عاملی برای نابودی اکوسیستم آبی بومی تبدیل شده است.

مزار آبی از دیگر حیواناتی است که فروش آن در کنار حیوانات ذکرشده رونق گرفته است؛ حیوانی که عموماً خانواده‌ها از پس نگهداری آن بر نمی‌آیند و سرانجامی جز خالی شدن عرصه‌های طبیعی و مرگ حیوان در انتظارشان نیست.

ماهی زبرا آخرین قربانی حیوان‌فروشان است که این روزها در تنگ‌های بسیار کوچک و جذاب عرضه می‌شوند؛ تنگ‌هایی که حداقل شرایط زیستی این حیوان را رعایت نمی‌کنند و سرانجامی جز مرگ در انتظارشان نیست.

تلاش‌های حامیان غیردولتی و دولتی محیط زیست برای حفاظت از حیوانات بیان‌شده در سال‌های اخیر افزایش یافته؛ اما این مهم بدون عزم ملی و همراهی همه شهروندان امکان‌پذیر نیست. لطفاً از خریدن این حیوانات اجتناب کنید و در صورت مشاهده با تلفن گویای محیط زیست ۱۵۴۰ تماس بگیرید یا به نزدیک‌ترین سمن محیط‌زیستی اطلاع دهید.

۸	۶	۳	۱	۷	۲	۵	۴	۹
۳								
۷	۲	۵	۱	۳	۴	۶	۸	۹
۶								
۵	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۴								
۳	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷	۸
۲	۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
۱								

۱	۸	۳	۶	۵	۱	۷	۲	۴
۲								
۳	۶	۵	۱	۳	۴	۲	۷	۸
۴								
۵	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۶								
۷	۲	۵	۱	۳	۴	۲	۷	۸
۸	۳	۶	۵	۱	۳	۴	۲	۷
۹								
۱۰								
۱۱								
۱۲								
۱۳								
۱۴								
۱۵								